

This question paper contains 8 printed pages]

Your Roll No.....

1197

B.A. (Hons.)/I Sem.

B

PERSIAN—Paper II

Modern Prose(A)

(Admission of 2011 and onwards)

Time : 3 Hours

Maximum Marks : 75

(Write your Roll No. on the top immediately on receipt of this question paper.)

Note :— Unless otherwise required in a question, answers may be written *either* in English or in Persian or in Hindi or in Urdu; but the same medium should be used throughout the paper.

1. Translate any *two* of the following passages : 25

از متن های زیر دو را ترجمه کنید :

(A)

من از همسر عزیزم ساله عیدی می گیرم، عیدی امسال این بود

که اتاق تحریر مرا نو کند خوش حال و ممنون شدم اما وقتی بنا به

P.T.O.

عادت، پس از چند سطری، چشم از کتاب برداشتم و به فکر پرداختم، دیدم که اسباب اتاق بزاری به من نگاه می کنند و التماسی دارند. می گویند نگذار ما را از این جابریند. ما سالها بست با تو خو گرفته ایم و تو را دوست داریم. مانوس شهادت روزهای تنهایی تو بودیم، ما محزون آن اسرار و افکار پنهانی هستیم که با دیگران نمی گوئی. ما حافظ آن یادگارهایی هستیم که از دوستان قدیم داری. به خدا اسباب نوشل یاران تازه بجرم و همرازدل نیستند.

(B)

روزی یکی از خوانین هرات نصرالله را خواست و به او گفت:
 نصرالله تو دیگر پیر شده ای و قوه کار کردن نداری، من هم می
 خواهم از هرات بروم و آن باغچه ای که در بیرون شهر دارم بی
 صاحب می افتند. زیرا که از بس مردم خانه فروخته و رفته اند.

دیگر مشتری نیست، بہ تو می سیارم تا بعد چہ شود۔ تو ہم عجالہء
 پاسان آنجا باش و سپردہ ام از ملکی کہ در اطراف دارم برای تو
 لقمہء ناننی برسانند۔ تو نیز آنجا باش تا آخر عمر بہ دوندگی و تلاش
 روزی مجبور نباشی۔

نہر اللہ کم کم پیری داد خود احساس می کرد از خدا خواست کہ
 چنین تفصیلی در بارہ او بکند۔ فوراً دارای خود را برداشت و بہ
 آن باغچہء بیرون شہر رفت۔

(C)

چند سال گذشت و مرگ ریگا فراموش شد۔ یک روز مادر ریگا بہ
 گرمایہ رفتہ بود۔ کودک شیرین چند سالہ ای بازی کنان
 نزدیک شاہ بانو آمد۔ چون چشم زن پادشاہ یہ این کودک افتاد،
 اورا بسیار شبیہ بہ دختر جرائش دید بہ گریہ افتاد۔ بانوی شاہ بہ

امید این کہ اورا بہ فرزندگی گیرد، کنیزکان نشان را فرمان داد کہ مادر کودکی را پیدا کنند۔ وقتی کنیزکان نزدیک مادرش شدند، اورا شناختند۔ اوریکا دختر پادشاہ بود، ریکا را نزد مادرش بردند و مادر او را دیدن فرزندش بی ہوش شد۔ این "ابراہیم ادہم" بعد ہا پس از مدتی کہ بجای پدر بزرگش در بلخ بہ تخت نشست و سلطنت کرد۔

2. Rewrite any two of the following in your own

simple Persian :

15

از متون زیر دو را بہ فارسی سادہ خودتان بنویسید :

(A)

چند سال پیش در دہمی معلم بودم مدرسہ ی ہا فقط یک اطاق بود کہ یک پنجرہ و یک در بہ بیرون داشت۔ فاصلہ اش بادہ و صد متر بیشتر نبود۔ سی و دو شاگرد داشتیم پانزدہ نفر شان کلاس اول

بودند هشت نفر کلاس دوم - شش نفر کلاس سوم و سه نفر شان کلاس
 چهارم - مرا آخرهای پاییز آنجا فرستاده بودند - بچه ها دوسه ماه
 بی معلم مانده بودند - و از دیدن من خیلی شادی کردند قشقرق راه
 انداختند - تا چهار پنج روز کلاس لنگ بود - آخرش توانستم
 شاگردان را از صحر و کارخانه ی قالی بانی و اینجا و آنجا سر کلاس
 بکشانم -

(B)

آری از خوب و بد، هر چه به سرمان می آید، از احتیاجی است که
 بتغییر و تازگی داریم - این همه بیوفائی و جدائی و دردندامت،
 ازین سوداست - این همه زیان و خطر افکار نا آزموده، از این
 هوس ناشی است، ترقیات علم و زیبایی های هنر همه از خواهش
 تغیر و تازگیست، اما چه حاصل، چون هنوز به دست نیامده کهنه و

زشت شده، باید از آن بیزاری کرد و تلاش و تکاپو را از سر گرفت. ناله های پنهان دل را که نمی توان دلیل رد احسان آورد. آمدند و یک بیک اسباب اتاق را بردند تا نوبت به آن صندلی رسید که از همه کهنه تر و خراب تر بود.

(C)

کلاغ حرفهای مضحک میزنی، مگر نه اینست که من و تو هر دو از جنس پرندگانیم؟ هرگز وضع زمین برای ما بهتر و موافقتر از این نبوده است، در هر جا نجوا هم پائین می آئیم و می شنیم. گذشته از این طيور بزرگتر از من و تو مثلاً لاش خورها بسیار مشغولند این بیهوده گوئی چه معنی دارد؟ می خواهی زیر پای نازک تو قالیچهء ابریشمی فرش کنند تا با ناز و خرام روی آن قرار گیری؟ کبوتر جای شوخی نیست، مرا خوب می شناسی و می دانی به چه سبب نمی توانم در اینجا بمانم. کلاغ، نمی دانم، مرحمت کرده خودتان بگوئید.

3. Write the summary of any *one* of the following

stories :

15

یکی از داستانهای زیر را خلاصه کنید :

(۱) سفر به شهر سلیمان

(۲) اولین روزی که خاطر دارم

(۳) چهار گل

4. Write a short note on any *one* of the

following :

10

یکی از میان زیر گزارشی کوتاهی بنویسید :

(۱) فریدون عموزاده

(۲) صمد بھرنگی

(۳) سعید نفیسی

5. Write about the main characteristics of Modern Persian Prose., 10

در باره خصوصیات نثر فارسی جدید بنویسید -

Or

Write about the language and style of the Modern Persian Prose writers.

در باره زبان و سبک نویسندگان نثر فارسی معاصر بنویسید -